

Recognizing the Problems of Couples Under the Auspices of the Relief Committee Experience During Divorce Process

Danesh M¹, *Nazari AM²

Author Address

1. PhD Candidate in Counseling, Counseling Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Bojnourd Branch, Bojnourd, Iran;

2. Associate Professor, Shahroud University of Medical Sciences, Shahroud, Iran.

Corresponding Author Email: Amnazari@yahoo.com

Received: 2020 July 15; Accepted: 2020 September 20

Abstract

Background & Objectives: The family is one of the most important social systems based on marriage between the opposite sexes. However, no relationship, including marriage, is smooth. In all relationships, there is conflict and negative emotions. As a result, problems in intimate relationships ultimately affect each party. High divorce rates in Iran and the world clearly show marital problems. Couples usually experience incompatibility in the early years of marriage because they have not yet achieved sufficient mutual harmony. One center that covers couples in Iran is the Imam Khomeini Relief Committee. Given the importance of marital relationships, effective methods should be used to prevent the adverse consequences of dysfunctional relationships, confusion and distress in families, divorce and family breakdown, and ultimately the breakdown of society. The importance of the family is felt in the individual and social life of human beings. Therefore, marriage can be considered one of the stages of human development.

Methods: This study sought to understand and recognize the mental experience of humans, so we employed a qualitative research design. Using a phenomenological approach, we conducted an in-depth study of the participants' mental experiences. The study's statistical population comprised all divorcing couples under the auspices of the Relief Committee in 2019. Fourteen couples from the Relief Committee were interviewed, and the relevant data were collected. In this method, MAXQDA software was used to analyze the qualitative data.

Results: Based on the results, 57 initial codes were identified out of 378 concepts. The results of axial coding revealed four categories of psychological and individual behavior (including a lack of self-confidence, suspicion and distrust, excessive psychological stress and anxiety, lack of motivation and enthusiasm for cohabitation, increased expectations, unrealistic expectations, and failure), socio-cultural category (including the elimination of the taboo of divorce in society, personality differences, early marriage, lack of support from married couples, quarrels, bad friends, the negative impact of media and social networks, differences in education), economic category (such as lack of financial support, weak government support policies, daily devaluation of money, problems with facilities, low income) and religious categories (such as non-adherence to moral and religious principles, atheism, weakness of religious beliefs, or reliance on God).

Conclusion: Based on the research findings, psychological and individual, cultural-social, economic, and religious factors are influential in marital problems of divorcing couples under the auspices of the Imam Khomeini Relief Committee. Therefore, by teaching conflict resolution management to divorcing couples, institutionalizing a culture of patience and compromise, and using reliable counseling centers, the scope of disputes and conflicts can be reduced and controlled.

Keywords: Marriage, Divorce, Couple's problems, The Relief Committee.

شناخت تجربه مشکلات زوجی در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد

مهسا دانش^۱، *علی محمد نظری^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران؛

۲. دانشیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

*آریانا نامۀ نویسنده مسئول: Ammazari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۵ تیر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات تکنولوژی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در تغییر کارکرد اولیه ازدواج شامل عشق، محبت و صمیمیت، سازگاری و ناسازگاری بین زن و شوهر، نقش اساسی داشته است. هدف این پژوهش شناخت تجربه مشکلات زوجی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد بود.

روش بررسی: این پژوهش در جست‌وجوی فهم تجربه ذهنی افراد بود و از این رو از پژوهش کیفی استفاده شد. استفاده از رویکردی پدیدارشناسی، بررسی عمیق تجربیات ذهنی مشارکت‌کنندگان را میسر کرد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. بررسی چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد صورت گرفت و داده‌ها از طریق مصاحبه‌ها گردآوری شد. در این روش نرم‌افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به کار رفت.

یافته‌ها: براساس نتایج، تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شد. نتایج حاصل از کدگذاری محوری مشخص کرد، ۵۷ کد اولیه در قالب چهار مقوله روان‌شناختی و رفتار فردی (مانند نبود اعتماد به نفس، سوءظن و بی‌اعتمادی، استرس و نگرانی‌های روانی بیش‌ازحد، نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک، بی‌بندوباری، سوءاستفاده از مهریه)، مقوله فرهنگی اجتماعی (مانند از بین رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، دوستان ناباب، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی)، مقوله اقتصادی (مانند نبود پشتوانه مالی، سیاست‌های حمایتی ضعیف دولت، وجود مشکلات دریافت تسهیلات، کم‌بودن میزان درآمد) و مقوله مذهبی (مانند پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی‌اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا) قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، عوامل روان‌شناختی و رفتار فردی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بر مشکلات زناشویی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد مؤثرند؛ بنابراین با آموزش مدیریت حل تعارض به زوجین در حال متارکه و نهادینه کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می‌توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن کرد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، طلاق، مشکلات زوجی، کمیته امداد.

سیستم خانواده در زمره سیستم‌های مهم‌تر اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است (۱). هیچ رابطه‌ای سیر آرامی ندارد. در همه روابط، تعارض و عواطف منفی وجود دارد؛ در نتیجه مشکلات در روابط صمیمی سرانجام زمانی هر فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲). آمارهای فعلی مشخص می‌کند، تقریباً ۵۰ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. آمار زیاد طلاق نشانه بارز مشکلات زناشویی است (۳). بعضی از موضوع‌های شناخته‌شده‌ای که می‌تواند پدیدآورنده اختلاف‌های زناشویی باشد، پول، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی (گفت‌وشنود)، درگیری‌های کاری و مانند این‌ها است (۴).

بنابراین زوج‌ها در سال‌های اولیه ازدواج به دلیل اینکه هنوز به همسازی متقابل به قدر کافی دست نیافته‌اند، ناسازگاری^۱ بیشتری را تجربه می‌کنند؛ به خصوص اگر زوج‌ها در سنین کم باهم ازدواج کرده باشند که از عوامل بروز طلاق است (۵). ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. به نظر برخی متخصصان هرکجا نبود توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد، تعارض^۲ به وجود می‌آید (۶). از معضلات مهم‌تر زوجین مسائل مالی و اقتصاد خانواده است (۷). یکی از مراکزی که زوجین را تحت پوشش قرار می‌دهد، کمیته امداد امام خمینی است. زوجین تحت پوشش کمیته امداد با انواع معضلات به خصوص در آستانه تشکیل خانواده، مواجه هستند که از جمله آن نبود اشتغال یا کم درآمدی است. در این زمینه پژوهش‌ها نشان داده است، زنانی که تحت پوشش کمیته امداد هستند، مشکلاتی در شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی دارند؛ به عنوان مثال مشکلات مالی اقتصادی باعث کاهش رضایت زناشویی^۳ می‌شود (۸). در واقع به نظر می‌رسد، تأمین نیازهای اولیه به درآمد افراد و میزان پول بستگی دارد؛ بنابراین یکی از شاخص‌های اساسی که امکان دارد باعث مشکل زناشویی در زوجین تحت پوشش کمیته امداد شود، مسائل مالی است (۹).

مشکلات ارتباط زناشویی بیش از هر مقوله دیگری سبب ارجاع برای دریافت خدمات مشاوره‌ای شده است. باتوجه به اهمیت ارتباطات زناشویی و به منظور پیشگیری از پیامدهای نامطلوب ارتباط‌های ناکارآمد، سردرگمی و پریشانی خانواده‌ها، طلاق و ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها و در نهایت ازهم‌گسیختگی جامعه باید از روش‌های مؤثری استفاده کرد (۱۰). شناسایی شاخص‌های تعیین‌کننده ارتباط زناشویی کارآمد، مسئله‌ای اساسی است. ارائه اطلاعات مفید و سودمند درباره ارتباط کارآمد می‌تواند به زوجین در برقراری رابطه‌ای حسنه، دوسویه و کارآمد که در جهت رشد و شکوفایی آنان باشد، کمک کند و ایجاد یا تداوم احساس‌های مخرب و منفی را در جریان رابطه زناشویی تا حدودی کاهش دهد (۱۱). همچنین به زوجین در حل تعارض و رفع مشکلات زناشویی، پرهیز از روابط منجر به شکست، کاهش ناامیدی،

خشم، احساس بی‌ارزشی، افسردگی و ناکامی و افزایش حس همدلی و شناخت بهتر از نیازها و تمایلات یکدیگر، افزایش رغبت به منظور تداوم رابطه زناشویی و در نهایت، کاهش تنش‌ها و سرخوردگی‌ها کمک می‌کند. بررسی عوامل دخیل در فروپاشی انسجام و سلامت ارتباط زناشویی به‌تنهایی توضیح نمی‌دهد که چگونه برخی از زوجین از ارتباط خوبی برخوردار هستند و برخی دیگر خیر (۱۲). نتایج پژوهش پیراک و همکاران مشخص کرد، باورهای نادرست یعنی نگرش نادرست به همسر، زندگی و اطرافیان یا آرمان‌گرایی در توقعات از آنان و نیز خودبرتربینی فرد، نه تنها موجب سختی در انتخاب و چه‌بسا انتخاب ناصحیح می‌شود، بلکه با ورود فرد به زندگی مشترک باعث دلسردی او از همسر و زندگی خواهد شد (۱۳). آسنجرانی و همکاران در پژوهشی دریافتند، بیشتر افراد درخواست‌کننده طلاق از زندگی جنسی خود رضایت ندارند؛ اما غالباً به علت حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی خود به‌عنوان یکی از دلایل اصلی طلاق شرم می‌کنند (۱۴).

پژوهش حاضر درصدد بود با بررسی تجارب زوجین در حال متارکه، به ارائه معیارهایی بپردازد که در عمل بتواند ارتباط‌های زناشویی کارآمد و ناکارآمد را مجزا کند. باتوجه به اینکه جامعه ایران نیز در سال‌های اخیر با مشکل افزایش طلاق مواجه شده است، به منظور تأمین یک راه حل احتمالی، ضرورت این تحقیق ایجاب کرد که به دنبال مطالعه و شناسایی شاخص‌های ارتباط کارآمد زناشویی باشد و با مشخص کردن متغیرهای مرتبط با شکست و موفقیت در ارتباطات زناشویی، به منظور اعمال آن‌ها در برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌های رشدی و درمانی جامعه اقدام کند. از آنجاکه جامعه بررسی شده در این پژوهش زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد بودند، بررسی شاخص‌های مالی و اقتصادی ممکن است دارای اهمیت بیشتری در برخورداری رضایت زناشویی باشد. در واقع مسائلی همچون اشتغال، درآمد، کیفیت روابط اجتماعی و پایگاه اجتماعی می‌تواند شاخص‌هایی باشد که در این کمیته بیشتر مدنظر قرار گرفته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد انجام پژوهشی کیفی برای شناخت تجربیات مرتبط با مشکلات زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد ضرورت دارد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت تجربه مشکلات زوجی در حال متارکه در زوج‌های تحت پوشش کمیته امداد بود.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر با هدف شناخت تجربیات مشکلات زوجی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد انجام شد. این پژوهش در جست‌وجوی فهم تجربه ذهنی افراد بود و از پژوهش کیفی برای آن استفاده شد. استفاده از رویکردی پدیدارشناسی، بررسی عمیق تجربیات ذهنی مشارکت‌کنندگان را میسر کرد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد خراسان شمالی تشکیل دادند. بررسی چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد صورت گرفت و داده‌ها از طریق مصاحبه‌ها گردآوری شد. در این پژوهش، روش تحلیل محتوا و نرم‌افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

3. Marital satisfaction

1. Incompatibility

2. Conflict

به کار رفت. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: تمامی افراد به شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان

ثبت نشد.

۳ یافته‌ها

نتایج مربوط به توزیع فراوانی مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان

متغیر	سطح متغیر	فراوانی (درصد فراوانی)
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۶ (۴۲/۹)
	۳۱ تا ۴۰ سال	۵ (۳۵/۷)
تحصیلات	۴۱ تا ۵۰ سال	۳ (۲۱/۴)
	کمتر از دیپلم	۸ (۵۷/۱)
	فوق دیپلم	۵ (۳۵/۷)
	کارشناسی	۱ (۷/۲)

پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز طلاق، عوامل روان‌شناختی و رفتار فردی است. در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش، سستی و کاهش روابط زناشویی، نبود اعتماد به نفس، سوءظن و بی‌اعتمادی، تصمیم‌گیری نکردن عاقلانه و تصمیم‌گیری از روی احساس، استرس و نگرانی‌های روانی بیش از حد، نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک، دیدگاه منفی و قضاوت ناعادلانه، افزایش انتظارات و توقع بیجا و سرکوفت، فقدان مهارت‌های زندگی، دعوا و پرخاشگری، جو بد و فشار روانی محیط زندگی، بی‌بندوباری، سوءاستفاده از مهریه، کوتاه‌نگری و بی‌توجهی به آینده و پیشرفت، اعتیاد زوجین، تمام شدن تحمل و طاقت، نبود تعهد و مسئولیت‌پذیری در زندگی مشترک، بی‌وفایی و خیانت، نبود حمایت عاطفی و توجه همسر، کتک‌کاری و ضرب و شتم، بی‌ثباتی شخصیت و نداشتن توان تصمیم‌گیری، ناامیدی و افسردگی و خساست همسر را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیف‌هایی از مصاحبه‌شوندگان چنین است:

«شوهرم از اول از من انتظار راحت بودن با او و نهایت نزدیکی را داشت. این خیلی مرا اذیت می‌کرد؛ البته بعدها خودش فهمید که باید آرام‌آرام به من نزدیک می‌شد و مراعات مرا می‌کرد؛ اما چه فایده؟! هر دوی ما حس بدی به هم پیدا کرده بودیم. من او را پرور و تند می‌دانستم که فقط مرا برای همین کارها می‌خواهد و او مرا تمکین‌ناپذیر و نازپرورده. کاش از اول کسی به هر دوی ما شیوه صحیح این مسائل را یاد داده بود.»

«یاد گرفته بود که اگر اعتراضی کردم، سر دعوا و کتک‌کاری و چیز شکستن را باز کند که من جرئت مخالفت نداشته باشم و از او بترسم. من فقط گریه و زاری می‌کردم و تسلیم می‌شدم. من در برابر او نمی‌توانستم مقاومت کنم. او این‌طوری سلطه خودش را به من اثبات می‌کرد.»

– فرهنگی اجتماعی: بررسی مصاحبه‌های مشارکت کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز طلاق، عوامل فرهنگی اجتماعی است؛ در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش ازدواج تحمیلی، رضایت‌نداشتن خانواده‌ها در ازدواج، نبود تعامل

پیش از انجام کدگذاری‌های اولیه و محوری، متن مصاحبه با زوجین پیاده شد. سپس لیست اولیه یا مضمون تم‌ها از ۲۵ پاسخ اولیه به سؤال‌ها بسط داده شد و این کار برای کدگذاری پاسخ‌های باقی‌مانده استفاده شد.

الف) کدهای اولیه: در ایجاد کدهای اولیه، نخست روی واحدهای معنادار داده با استفاده از نامی مفهومی برچسب زده می‌شود و سپس با استفاده از نام‌هایی انتزاعی‌تر، دسته‌بندی مفاهیم به دست آمده صورت می‌گیرد. در نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی گردآوری‌شده با استفاده از ابزار مصاحبه، مشاهده شد که تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شده است.

ب) کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، مقوله‌های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط میان آن‌ها، به‌ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله‌ها مشخص می‌شود. هدف این مرحله از کدگذاری، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل براساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند که فرایند ایجاد نظریه را به آسانی انجام دهد. کدگذاری محوری، منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می‌گیرند (۱۵).

– اقتصادی: بررسی مصاحبه‌های مشارکت کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز طلاق، عوامل اقتصادی است. در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش نبود پشتوانه مالی، سیاست‌های حمایتی ضعیف دولت، بی‌ارزش شدن روزانه پول، وجود مشکلات دریافت تسهیلات، فقر و مشکلات مالی، بی‌کاری، کم بودن میزان درآمد، تفاوت طبقاتی و سطح اقتصادی را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیف‌هایی از مصاحبه‌شوندگان چنین است:

«ما تلاش زیادی کردیم که از بانک وام دریافت کنیم؛ اما هر کاری کردیم به ما وام و تسهیلاتی ندادند و این مشکلات مالی و بیکاری شوهرم خیلی بیشتر باعث شد زندگی مشترکمون از هم بپاشه.»

– روان‌شناختی و رفتار فردی: بررسی مصاحبه‌های مشارکت کنندگان در

ارزش‌های اخلاقی و دینی در سطح جامعه و نیز پایبند نبودن به ارزش‌های دینی در ارتباط با جنس مخالف بود. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تفاوت اعتقادات مذهبی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی‌اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا، اعتقادداشتن به حلال یا حرام و مشکلات چندهمسری را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیف‌هایی از مصاحبه‌شوندگان چنین است: «زنم شروع به رفت‌وآمد با دوستانی کرد که اکثراً طلاق گرفته بودند و هیچ‌کدام هم سالم نبودند یا با دوستان نابابی که با وجود شوهر و بچه، دوست پسر داشتند تا بالاخره او را هم آلوده به این کار کردند.» «از لحاظ جنسی من می‌خواستم او را ارضا کنم، بلکه دلش به من گرم شود؛ اما او حتی در اوج آن لحظات هم به فکر دوست پسر سابقش بود.»

در جدول ۲، مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم مشکلات زوجی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد ذکر شده است.

اجتماعی مناسب، مقایسه و چشم و هم‌چشمی، ازبین رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی، ازدواج مجدد، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی، دوستان ناباب، نفوذ فرهنگ خارجی، ضعیف شدن ارزش‌های اخلاقی، دخالت خانواده و اطرافیان، اختلاف سطح تحصیلات، تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار و نبود شناخت کافی قبل از ازدواج را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیفی از مصاحبه‌شوندگان چنین بود: «من اصلاً این تیپ آدم را از لحاظ فکری، شغلی و حتی ظاهری نمی‌پسندیدم؛ اما به اصرار بسیار زیاد راوی و خانواده‌ام، شوهرم را به خواستگاری راه دادم و سپس به اصرار شدید راوی و پدر و مادرم، مجبور به انتخاب او شدم. در آخر پدرم مرا قسم داد که قبول کنم.» - مذهبی: بررسی مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز طلاق، پایبند نبودن فرد و خانواده به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی است. تجارب افراد، گویای کم‌رنگ شدن

جدول ۲. مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم مشکلات زوجی زوجین در حال متارکه

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم (عوامل پیش‌بینی‌کننده)
مشکلات زوجی	اقتصادی	نبود پشتوانه مالی
		سیاست‌های حمایتی ضعیف دولت
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	بی‌ارزش شدن روزانه پول
		وجود مشکلات دریافت تسهیلات
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	فقر و مشکلات مالی، بیکاری
		کم بودن میزان درآمد
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	تفاوت طبقاتی
		سطح اقتصادی
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	سستی و کاهش روابط زناشویی
		نبود اعتماد به نفس
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	سوءظن و بی‌اعتمادی
		تصمیم‌گیری نکردن عاقلانه و تصمیم‌گیری از روی احساس
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	استرس و نگرانی‌های روانی بیش‌ازحد
		نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	دیگاه منفی و قضاوت ناعادلانه
		افزایش انتظارات و توقع بیجا و سرکوفت
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	فقدان مهارت‌های زندگی
		دعوا و پرخاشگری
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	جو بد و فشار روانی محیط زندگی
		بی‌بندوباری
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	سوءاستفاده از مهریه
		کوتاه‌نگری و بی‌توجهی به آینده و پیشرفت
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	اعتیاد زوجین
		تمام شدن تحمل و طاقت
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	نبود تعهد و مسئولیت‌پذیری در زندگی مشترک
		بی‌وفایی و خیانت

نیود حمایت عاطفی و توجه همسر
کتککاری و ضرب و شتم
بی‌ثباتی شخصیت و نداشتن توان تصمیم‌گیری
ناامیدی و افسردگی
خساست همسر

ازدواج تحمیلی
رضایت‌نداشتن خانواده‌ها در ازدواج
نیود تعامل اجتماعی مناسب
مقایسه و چشم و هم‌چشمی
ازبین‌رفتن قبح طلاق در جامعه
تفاوت‌های شخصیتی
ازدواج در سن کم
حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین

دعوا و مشاجره
فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی
ازدواج مجدد
تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی
دوستان ناباب
نفوذ فرهنگ خارجی
ضعیف‌شدن ارزش‌های اخلاقی
دخالت خانواده و اطرافیان
اختلاف سطح تحصیلات
تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار
نیود شناخت کافی قبل از ازدواج

فرهنگی اجتماعی

مشکلات زوجی

تفاوت اعتقادات مذهبی
پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی
بی‌اعتقادی و خدانترسی
سستی اعتقادات مذهبی
توکل نکردن به خدا
اعتقادنداشتن به حلال یا حرام
مشکلات چندهمسری

مذهبی

مشکلات زوجی

خود را در ازدواج تحمیلی، رضایت‌نداشتن خانواده‌ها در ازدواج، نیود تعامل اجتماعی مناسب، مقایسه و چشم و هم‌چشمی، ازبین‌رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی، ازدواج مجدد، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی، دوستان ناباب، نفوذ فرهنگی خارجی، ضعف‌شدن ارزش‌های اخلاقی، دخالت خانواده و اطرافیان، اختلاف سطح تحصیلات، تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار و نیود شناخت کافی قبل از ازدواج نشان داد. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش پیراک و همکاران همسوست. آن‌ها دریافتند، باورهای نادرست یعنی نگرش نادرست به همسر، زندگی و اطرافیان یا آرمان‌گرایی در توقعات از آنان و نیز خودبترتیبی فرد، نه‌تنها موجب سختی در انتخاب و چه‌بسا انتخاب ناصحیح می‌شود، بلکه با ورود

۴ بحث

در این پژوهش برای شناسایی عوامل مؤثر بر مشکلات زناشویی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد، براساس مصاحبه با چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد، شناسایی عوامل مؤثر صورت گرفت. درنهایت، براساس معیارهای نهایی شناسایی‌شده، مدل برآمده از روش تحلیل محتوا ارائه شد. نتایج نشان داد، تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شده است. نتایج حاصل از کدگذاری محوری مشخص کرد، ۵۷ کد اولیه در قالب چهار مقوله اقتصادی، روان‌شناختی و رفتار فردی، فرهنگی اجتماعی و مذهبی شناسایی شد. نتایج نشان داد، شاخص‌های مشکلات زوجی در زوجین در حال متارکه شامل چهار مقوله روان‌شناختی و رفتار فردی، مقوله فرهنگی اجتماعی، مقوله اقتصادی و مقوله مذهبی است. یافته‌های پژوهش نشان داد، عوامل فرهنگی اجتماعی سبب‌ساز طلاق،

فرد به زندگی مشترک، باعث دلسردی او از همسر و زندگی خواهد شد (۱۳).

کارشناسان بر این باور هستند که بسیاری از مشکلات و اختلالات خانوادگی از ضعف مجاری اطلاع‌رسانی، شتاب‌زدگی و انجام‌ندادن پژوهش‌های دقیق در مرحله‌گزینه‌ش، اعتماد بیجا به اظهارنظرهای واسطه‌ها و اطرافیان، جدی‌نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آن‌ها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم، کم‌توجهی به اوصاف بایسته و در مواقعی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه نشئت می‌گیرد (۱۶)؛ این همه ناشی از ناآگاهی فرد و خانواده از شیوه صحیح انتخاب است. همچنین یافته‌های این قسمت، با نتایج پژوهش آسنجرانی و همکاران مبنی بر اهمیت نگرش در شکل‌دهی رفتار فرد و عملکرد او در مقابل مسائل مختلف زندگی، لزوم تغییر نگرش‌های نامطلوب در جامعه و عوامل مؤثر بر آن از جمله همسانی فرهنگی بیشتر، همسوست (۱۴).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، از میان عوامل مذهبی سبب‌ساز طلاق می‌توان به پایبند نبودن فرد و خانواده به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی در سطح جامعه، پایبند نبودن به ارزش‌های دینی در ارتباط با جنس مخالف، تفاوت اعتقادات مذهبی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی‌اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا، اعتقادداشتن به حلال یا حرام و مشکلات چندهمسری اشاره کرد. در این راستا، پیراک و همکاران نشان دادند، نداشتن تفاهم اخلاقی، اختلاف عقیدتی دینی، وضعیت شغلی همسر، مشکلات مادی، دخالت خانواده همسر، بدبین بودن همسر، بیماری خاص همسر، عصبی بودن همسر، کتک‌کاری، اختلاف طبقاتی و نبود رضایت جنسی با ناسازگاری خانوادگی زوجین رابطه معناداری دارد (۱۳). بررسی یافته‌ها مشخص کرد، مجموع عوامل به‌طور مستقیم و نیز غیرمستقیم و از طریق ایجاد بستر برای بروز سایر عوامل در وقوع طلاق مؤثر است؛ طلاق فرایندی است که به‌تدریج به‌دنبال ناآگاهی از روابط صحیح زناشویی، بی‌توجهی عاطفی و جنسی، ضعف اعتقادات فرهنگی و مشکلات اقتصادی به وقوع می‌پیوندد. اعتیاد، پدیده شوم اجتماعی است که سلامت جسم و روان و استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد. دوران جوانی اگر با مشکلات رفتاری و ناسازگاری‌های اجتماعی همراه باشد صدمات جبران‌ناپذیری را به ساختار خانواده وارد می‌کند.

همچنین براساس یافته‌های پژوهش حاضر، عامل دیگر سبب‌ساز طلاق، عامل اقتصادی بود. نوع تفکر و نگاه فرد به مسائل اقتصادی، تعیین‌کننده مشی اقتصادی وی است و اختلاف در فرهنگ اقتصادی زوجین خود به اختلال در روابط آنان منجر می‌شود؛ این همه ناشی از تغییرات فرهنگی در دو دهه گذشته بوده که تأثیرات عمیقی در رفتار اقتصادی و انتظارات عمومی داشته است (۱۰). نوع تعامل خانواده و زوجین می‌تواند نقش مهمی در پایداری زندگی زناشویی زوجین یا برعکس در تزلزل و انحلال آن ایفا کند؛ برای مثال، شیوع بیماری‌های روانی، ضرب‌وشتم، مشکلات اقتصادی و حتی اعتیاد که به‌شدت در میان عوامل طلاق کثرت دارد، اگرچه خود می‌تواند عوامل مستقلی برای بروز طلاق باشند، تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه در پیدایش، تشدید و کثرت آن‌ها غیرقابل اغماض است. در مجموع، می‌توان نتیجه

گرفت، مجموعه عوامل فرهنگی ناشی از فرهنگ جامعه، خانواده و فرد، به شایسته انتخاب نکردن و شایسته ادامه ندادن زندگی مشترک منجر می‌شود. این امر، فرد و جامعه را با آسیب‌ها و پیامدهای مخرب و متعدد فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مواجه می‌کند که حل کردن هر یک از آن‌ها آسان‌تر از حل معضل طلاق نیست (۱۱).

می‌توان گفت که اگرچه حذف تمامی مشکلات از زندگی‌های زناشویی امری محال است، با آموزش مدیریت حل تعارض به دختران و پسران و زوجین و نهادینه‌کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می‌توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن ساخت (۱۴). از سویی، تأثیر روابط جنسی بر استحکام زناشویی به‌قدری است که برخی ابراز کرده‌اند با وجود علاقه بسیاری که به همسر خود دارند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نیستند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه جنسی طفره می‌رود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه عوامل فرهنگی ناشی از فرهنگ جامعه، خانواده و فرد، به شایسته انتخاب نکردن و شایسته ادامه ندادن زندگی مشترک منجر می‌شود. این امر، فرد و جامعه را با آسیب‌ها و پیامدهای مخرب و متعدد فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مواجه می‌کند که حل کردن هر یک از آن‌ها آسان‌تر از حل معضل طلاق نیست؛ پس بجا است با ایجاد یک تولید واحد و متمرکز در امر ازدواج و طلاق در کشور، با رصد مستمر مسائل و اتخاذ سیاست‌های راهبردی جامع‌نگر، دقیق و کاربردی به اصلاح، ارتقا و استحکام نهاد خانواده پرداخته شود (۱۰).

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، عوامل روان‌شناختی و رفتار فردی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بر مشکلات زناشویی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد مؤثرند؛ بنابراین اگرچه حذف تمامی مشکلات از زندگی‌های زناشویی امری محال است، با آموزش مدیریت حل تعارض به دختران و پسران و زوجین و نهادینه‌کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می‌توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن کرد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش ما را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد است. همچنین مجوز اجرای پژوهش حاضر بر گروه مطالعه‌شده از مرکز مشاوره شهر بجنورد با شماره نامه ۷۱ صادر شده است. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: تمامی افراد به‌شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان

ثبت نشد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

References

1. Adamsons K. Handbook of family theories: a content-based approach. *Journal of Family Theory & Review*. 2015;7(4):520–2. <https://doi.org/10.1111/jftr.12121>
2. Ahmad S, Reid DW. Relationship satisfaction among South Asian Canadians: the role of 'complementary-equality' and listening to understand. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*. 2008;2(2):131–50.
3. Bali A, Dhingra R, Baru A. Marital adjustment of childless couples. *Journal of Social Sciences*. 2010;24(1):73–6. <https://doi.org/10.1080/09718923.2010.11892839>
4. Bélanger C, Di Schiavi M-F, Sabourin S, Dugal C, El Baalbaki G, Lussier Y. Self-esteem, coping efforts and marital adjustment. *Eur J Psychol*. 2014;10(4):660–71. <https://doi.org/10.5964/ejop.v10i4.807>
5. Bodenmann G, Ledermann T, Bradbury TN. Stress, sex, and satisfaction in marriage. *Personal Relationships*. 2007;14(4):551–69. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2007.00171.x>
6. Priyadharshini S, Gopalan RT. Marital adjustment, love, personal intimacy, personality, dyadic coping and spirituality on marital stability. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*. 2020;7(4):1–16. <https://doi.org/10.9734/ajarr/2019/v7i430186>
7. Robson SM, McCullough MB, Rex S, Munafò MR, Taylor G. Family meal frequency, diet, and family functioning: a systematic review with meta-analyses. *Journal of Nutrition Education and Behavior*. 2020;52(5):553–64. <https://doi.org/10.1016/j.jneb.2019.12.012>
8. Zare B, Safyari Jafarabad H. The study of marital satisfaction and its determinants on married women and men in Tehran city. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2015;13(1):111-40. doi: [10.22051/jwsp.2015.1940](https://doi.org/10.22051/jwsp.2015.1940)
9. Salimi Bajestani H, Rahimi R, Farahbakhsh K, Asgari M. Financial conflicts and compatibility in dual-career couples: a phenomenological study. *Social Welfare Quarterly*. 2020;20(76):39-86. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3490-fa.html>
10. Ghasemi F, Askarizadeh G, Mosavi-Nasab SM. Relationship of personality traits, religious attitude and sexual satisfaction with tendency towards divorcee in paramedic females. *Journal of Research on Religion & Health*. 2020;5(4):20–33. [Persian] <https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i4.19860>
11. Samadaee Gelehkolae K, McCarthy BW, Khalilian A, Hamzehgardeshi Z, Peyvandi S, Elyasi F, et al. Factors associated with marital satisfaction in infertile couple: a comprehensive literature review. *Global Journal of Health Science*. 2015;8(5):96–109. <https://dx.doi.org/10.5539/gjhs.v8n5p96>
12. Sorokowski P, Randall AK, Groyecka A, Frackowiak T, Cantarero K, Hilpert P, et al. Marital Satisfaction, Sex, Age, Marriage Duration, Religion, Number of Children, Economic Status, Education, and Collectivistic Values: Data from 33 Countries. *Front Psychol*. 2017;8:1199. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01199>
13. Pirak A, Negarandeh R, Khakbazan Z. Post-divorce regret among Iranian women: a qualitative study. *International Journal of Community Based Nursing & Midwifery*. 2019;7(1). <https://dx.doi.org/10.30476/IJCBNM.2019.40848>
14. Asanjarani F, Jazayeri RS, Fatehizade M, Etemadi O, Demol J. Exploring factors affecting post-divorce adjustment in Iranian women: A qualitative study. *Social Determinants of Health*. 2017;3(1). <https://doi.org/10.22037/sdh.v3i1.17705>
15. Mesbahi Jahromi N, Mirabi VR, Mohebi S, Bagheri M. Identify gaps in the implementation of social commerce among start-ups. *Intelligent business management studies*. 2019;7(30):163-88. <http://ensani.ir/file/download/article/1593826829-9859-30-7.pdf>
16. Filipović S, Vukosavljević-Gvozden T, Opačić G. Irrational beliefs, dysfunctional emotions, and marital adjustment: a structural model. *Journal of Family Issues*. 2016;37(16):2333–50. <https://doi.org/10.1177/0192513X15572384>